



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی فقهی و نگاهی حقوقی به تنبیه بدنی کودکان

جهانبخش غدیری^۱، حدیث حسنونند^۲

۱- استادیار حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

(jghadiri1349@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

چکیده

تنبیه بدنی یا همان تادیب، یکی از روش‌های تربیتی است که ولی نسبت به کودک به کار می‌گیرد. با توجه به اینکه کودک از لحاظ جسمی ضعیف شمرده می‌شود و از لحاظ روانی در مقطع حساسی قرار دارد و تنبیه بدنی بر هر دو بعد جسمی و روانی وی اثرگذار است، بررسی فقهی و حقوقی تنبیه بدنی کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین صورت که میزان تنبیه بدنی مجاز و جهات امکان تنبیه بدنی کودک باید بررسی شود. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی این مسئله از دیدگاه فقهای امامیه و مطابقت یافته‌ها با قوانین موضوعه ایران پرداخته است. ابتدا مفهوم تنبیه بدنی مورد بررسی قرار گرفت، سپس دیدگاه فقهای امامیه در خصوص تنبیه بدنی کودک، نحوه اعمال آن، جواز آن در فتاوی ایشان و جهات اعمال - زنا، لواط، قذف، سرقت، شرب خمر، ارتداد، نزدیکی با حیوانات و تعلیم و یادگیری - و به کارگیری آن مورد تشریح واقع شد. در نهایت، تنبیه بدنی کودکان از لحاظ حقوقی و در چارچوب قوانین موضوعه ایران مورد واکاوی قرار گرفت.

کلمات کلیدی: تادیب کودک، تنبیه بدنی، فقه امامیه، فقه تربیتی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

تنبیه در لغت به معنای آگاه کردن و مجازات نمودن (معین، ۱۳۸۶) و همچنین به معنی هشیار کردن، تذکر، بیدار کردن و توجه دادن (بستانی، ۱۳۷۶) آمده است و در اصطلاح فقها مقصود از تادیب همان تعزیر است، یعنی مجازات کم‌تر از حد، لیکن، کودکان همانند بزرگسالان مشمول مجازات تعزیر قرار نمی‌گیرند، به همین جهت در روایات و عبارات فقها در ارتباط با تعزیر کودکان از لفظ تادیب استفاده شده که مقصود از آن مجازاتی خفیف و سبک‌تر از تعزیر بزرگسالان می‌باشد، به گونه‌ای که کودک را از انجام مجدد فعل ناپسند باز دارد. برخلاف برخی نظام‌های تربیتی، از نظر اسلام و قرآن، اصل تنبیه به طور مطلق محکوم نبوده، بلکه در جای مناسب خود لازم است (قائمی، ۱۳۶۸). یکی از روش‌های بازدارنده خداوند در قرآن، بازگو کردن داستان‌های اقوام، ملل، یا افرادی است که به علت سرکشی و طغیان و عدم تسلیم در برابر اوامر الهی به عذاب‌ها و عقوبت‌های سخت مبتلا گشته‌اند.

همچنین در اصطلاح روانشناسی تنبیه به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه و هوشیار کردن باشد و دست‌کم به سه معنا بکار رفته است: ۱. حذف پاسخ مثبت از ارگانیسم و یا اضافه کردن پاسخ منفی به آن، که از نظر اسکینر تنبیه به این معنا بکار رفته است. وی می‌گوید: «تنبیه زمانی رخ می‌دهد که پاسخ مثبتی را از موقعیت حذف و یا چیزی منفی به آن بیافزاییم. به زبان متداول می‌توان گفت تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم است که خواستار آن است یا دادن چیزی است به او که طالب آن نیست» (هرگنهان و همکاران، ۱۴۰۲)، ۲. ارائه پاسخ منفی به ارگانیسم. دکتر سیف می‌گوید: «تنبیه عبارتست از ارائه یک محرک آزارنده یا تنبیه‌کننده (تقویت‌کننده منفی) بدنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. برای مثال اگر بعد از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک مثلاً گفتن یک حرف زشت با ارائه یک محرک آزارنده مثل سیلی زدن به او خواسته باشیم که احتمال بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم او را تنبیه کرده‌ایم» (سیف، ۱۳۸۰). تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای خاص می‌گوییم؛ و ۳. تنبیه بدنی یا کتک زدن. گاهی مراد از تنبیه، به همین معناست که ما آن را تنبیه به معنای اخص می‌گوییم.

پس از درک مفهوم تنبیه سوالات متعددی در این باره به ذهن متبادر می‌گردد؛ آیا تنبیه یک روش تربیتی است؟ کارایی آن در چه سطحی است؟ شرایط استفاده از آن چیست؟ چه کسانی اجازه اعمال آن را دارند؟ اسلام در این زمینه چه می‌گوید؟ روانشناسان و مربیان تربیتی چه می‌گویند؟ اینها و پرسش‌هایی از این دست، پرسش‌هایی است که در محافل تربیتی زیاد مطرح است. چنین مشهور و معروف شده که تنبیه از نظر روانشناسان، به دلیل اثرات منفی که از خود بر جای می‌گذارد مطرود و ممنوع است و باید از آن اجتناب کرد. اما بیشتر دانشمندان و علمای اسلامی تنبیه را از نظر اسلام جایز دانسته و برای آن شرایط و حدودی را تعیین می‌کنند. در مورد تنبیه در اسلام بحث‌های مختصری از سوی برخی از دانشگاهیان صورت گرفته است که معمولاً به ذکر نظرات و فتوای برخی از فقها اکتفا نموده و تفحص کمتری در روایت شده است. از سوی دیگر فقهای اسلامی نیز معمولاً به بیان حکم فقهی مساله اکتفا کرده و به جنبه‌های تربیتی و اخلاقی مساله و کم و کیف تنبیه در روایات کمتر وارد شده‌اند.

از آنجایی که روشن شدن این بحث، به‌ویژه از نظر اسلام، در محافل تربیتی از اهمیت خاصی برخوردار است، برآنیم تا در روایاتی که در این زمینه وارد شده است جستجوی بیشتری نموده و به سوالات بالا از منظر اسلام پاسخ دهیم. در واقع هدف اصلی از نگارش مقاله حاضر بررسی نظر فقهای امامیه در خصوص جواز تنبیه بدنی کودکان و بررسی دیدگاه ایشان در قوانین موضوعه ایران است. تکیه اصلی مقاله حاضر بر آرای فقها و آیات و روایات موجود در این خصوص است و بررسی حقوقی مبحث مورد مطالعه، در درجه اهمیت بعدی قرار دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲- روش تحقیق

مقاله حاضر از نظر نوع کیفی است و از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است. در پژوهش حاضر از شیوه بررسی پیشینه پژوهشی (سنتز پژوهشی) استفاده شده است. فرضیه‌هایی مطرح شده و به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. جمع‌آوری داده‌ها از کتب و مقالات مرتبط با موضوع، با جستجو عباراتی چون تنبیه، تنبیه بدنی، تنبیه بدنی کودک، تربیت، روشهای تربیتی، فقه تربیتی، تربیت در اسلام، تنبیه در اسلام و تنبیه در فقه مورد کاوش قرار گرفت. مقالات مرتبط با موضوع از طریق سامانه‌هایی نظیر سیویلیکا، نورمگز، گوگل اسکالر، SID و پرتال جامع علوم انسانی انتخاب و بارگیری شدند. سپس از ترکیب یافته‌های منتخب و تحلیل و بررسی بدیع آن‌ها، با در نظر گرفتن هدف مقاله، یعنی ارائه نظر فقهای امامیه در خصوص تنبیه بدنی کودکان و بررسی آن با قوانین موضوعه ایران، نتیجه‌گیری مناسب انجام شد. در این مقاله سعی گردید تا روش پژوهش با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهشی، منابع مورد استفاده، روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به طور دقیق و جامع ارائه گردد تا خوانندگان به دقت و قطعیت نتایج و استنتاجات، اطمینان حاصل کنند.

۳- مفهوم تنبیه

تنبیه مصدر باب تفعیل از ریشه «ن - ب - ه» است. این واژه که ابتدا به معنای بیدار کردن به کار می‌رفته (ابن منظور، ۱۴۱۴ق)، به مرور زمان و پس از ورود به زبان فارسی افزون بر کاربرد در معنای بیدار کردن، معانی هوشیار کردن و آگاه کردن پس از غفلت را نیز به خود گرفته است. سپس در کاربرد مجازی و در عرف عام، چوب یا کتک زدن، سیاست کردن کوتاه اندیشان (دهخدا، ۱۳۷۷) و تادیب و گوشمال دادن را نیز تنبیه گفته‌اند (معین، ۱۳۸۶). امروزه اصطلاح تنبیه بیش از هر چیز به حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و به‌ویژه به مبحث «تقویت‌کننده‌های منفی» اختصاص داشته، تعریفی خاص یافته است. روان‌شناسان، به کارگیری محرک ناراحت‌کننده برای کاستن از احتمال وقوع رفتاری نامطلوب را تنبیه می‌نامند (هیلگارد و همکاران، ۱۳۹۴)، که عموماً در پی رفتاری ناشایست صورت می‌پذیرد.

استفاده از تنبیه در امر تربیت همواره مخالفان و موافقانی را برانگیخته است با این تفاوت که در گذشته موافقان بیشتری داشته ولی اکنون مخالفان بیشتری دارد. معروف است که روان‌شناسان تنبیه را (دست‌کم تنبیه بدنی را) جایز نمی‌دانند و عدم کارایی و یا اثرات و مضرات جانبی آن را دلیل بر این امور می‌دانند. ولی باید گفت اولاً چنین نیست که تنبیه کارایی نداشته باشد. در بسیاری از موارد، تنبیه اصلاح‌گر است به طوری که عموم کسانی که در اصلاح رفتار کتابی نوشته‌اند تنبیه را به عنوان یکی از روشهای اصلاح و تغییر رفتار ذکر کرده‌اند و ثانیاً در مواردی که تنبیه اصلاح‌گر نباشد دست‌کم اثر بازدارندگی و عبرت‌آموزی برای دیگران را دارد که این خود اثری کمی نیست چه اینکه مواردی وجود دارد که رفتار نامطلوب باید فوراً متوقف شود به طوری که اگر متوقف نشود اثرات جبران‌ناپذیری را بار خواهد آورد در این صورت است که تنبیه، خصوصاً تنبیه بدنی تنها راه ممکن است زیرا سایر روش‌ها زمان زیادی را برای اصلاح و یا توقف رفتار نامطلوب لازم دارند و از این روست که یکی از مزیت‌های روش تنبیه بر سایر روش‌ها را فوریت تاثیر آن می‌دانند بدین جهت معمول روان‌شناسان، حتی کسانی که بشدت با تنبیه مخالف هستند در مواردی تنبیه را، حتی تنبیه بدنی را، جایز می‌دانند. بنابراین چنین نیست که از نظر روان‌شناسان تنبیه بدنی بکلی مطرود و ممنوع باشد. ما در اینجا نظر برخی از روان‌شناسان و یا فلاسفه‌ای که در باب تربیت بحث کرده‌اند نقل می‌کنیم تا شاهدی بر این مدعا باشد.

برخلاف برخی نظام‌های تربیتی، از نظر اسلام و قرآن، اصل تنبیه به طور مطلق محکوم نبوده، بلکه در جای مناسب خود لازم است. تنبیه و مجازات درست و طبق آداب، روشی مناسب برای بیدار کردن، هشیار ساختن و ادب کردن آدمی و جدا کردن او از بدی و کجی بوده، در اصلاح فرد و جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳). به علاوه آیات فراوانی از قرآن



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کریم که از توبیخ، تهدید و عذاب اقوام و افراد سخن می‌گویند و نیز آیات مربوط به حدود و قصاص و تعزیرات، با موضوع تنبیه پیوند دارند که به ارائه نمونه‌هایی از آیات در هر بخش بسنده می‌شود. یکی از روش‌های بازدارنده خداوند در قرآن، بازگو کردن داستان‌های اقوام، ملل، یا افرادی است که به علت سرکشی و طغیان و عدم تسلیم در برابر اوامر الهی به عذاب‌ها و عقوبت‌های سخت مبتلا گشته‌اند.

این‌گونه داستان‌ها و مواضع می‌توانند محرکی آگاهی آور و هشیارکننده باشند و انسان را از خشم الهی ترسانده، از گناه و سرکشی بازدارند؛ به صورت نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: مجازات ابلیس به رانده شدن از بهشت و دوری از رحمت الهی به علت تکبر و تخلف از فرمان پروردگار و سجده نکردن برای حضرت آدم (علیه‌السلام)^۱، عذاب قوم نوح و حتی فرزند وی به طوفان و غرق شدن در آب^۲، عقوبت قوم لوط به بارانی از سنگ^۳ تنبیه قوم شعیب به مرگ ناگهانی و بی نام و اثر شدن^۴، تنبیه قوم عاد به بادهای سرد و توفنده به سبب تکبر و سرکشی^۵، عذاب قوم ثمود به وسیله صاعقه به علت رویگردانی از هدایت الهی و سرکشی در برابر فرمان‌های خداوند متعالی^۶، مرگ فرعون و فرعونیان در دریا (رود نیل)^۷، فرو رفتن قارون و خانه‌اش در زمین^۸ و مسخ شدن گروهی از بنی‌اسرائیل به صورت میمون به سبب سرپیچی از فرمان الهی^۹.

۴- بررسی فقهی تنبیه بدنی کودک

ابتدا باید بیان کرد که اصل این است که تادیب (تنبیه بدنی) کودک جایز نیست، چون خداوند متعال انسان را آزاد آفریده و کسی بر دیگری تسلطی ندارد، مگر آن‌که خداوند اجازه دهد. به‌علاوه تنبیه و زدن دیگری، اذیت و ظلم به اوست و این اعمال در شرع مقدس اسلام نهی شده است. بنابراین اگر از ادله فقهی نشود که جواز تادیب کودک را برداشت نمود، اصل عدم جواز به حال خود باقی است. همچنین در مواردی که شک در جواز است، باید به اصل عدم جواز، تمسک نمود. به علاوه، از ادله جواز کیفر مجرم در باب تعزیرات باید گفت که مجازات باید متناسب با میزان عقل و شعور مرتکب جرم باشد، این ویژگی را می‌توان به‌عنوان یک اصل از ادله مجازات‌های تعزیری استفاده کرد؛ بنابراین به حکم این اصل باید تادیب و تنبیه کودک متناسب با عقل، شعور، و درک وی، و نیز قوه جسمی او باشد و فراتر از آن جایز نیست.

به استناد برخی از روایات مانند حدیث رفع قلم^{۱۰} (شیخ صدوق، ۱۳۶۲) که مفاد آن مورد قبول فقها است، و بر طبق آن فتوا داده‌اند، کودک و مجنون مسئولیت کیفری ندارند و به‌طور قطع همانند اشخاص بالغ و عاقل تعقیب و مجازات نمی‌باشند، از سوی دیگر به‌استناد روایاتی که در حد استفاضه، بلکه متواتر می‌باشد، تادیب کودک و مجنون در صورت ارتکاب جرم با شرایط خاص تجویز شده است، می‌توان ادعا نمود که تادیب کودک ممیز در مواردی که مرتکب خلاف شود، با وجود شرایطی که در فقه مقرر شده جایز باشد. افزون بر این به حکم عقل نیز برای اصلاح و تربیت کودک و نیز برای حفظ نظم و رعایت اصول

^۱سوره ص، آیه ۷۷

^۲سوره هود، آیات ۲۵ و ۴۸

^۳سوره هود، آیه ۸۲

^۴سوره هود، آیات ۹۴ و ۹۵

^۵سوره فصلت، آیه ۱۵ و ۱۶

^۶سوره فصلت، آیه ۱۷

^۷سوره بقره، آیه ۵۰

^۸سوره قصص، آیه ۸۱

^۹سوره اعراف، آیه ۱۶۳ و ۱۶۶

^{۱۰}حدیث یاد شده، حدیثی مشهور است که شیعه و سنی آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که فرمود: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيْقَ وَ عَنِ الْوَلَدِ حَتَّى يَحْتَلِمَ؛ قلم تکلیف از دوش سه گروه برداشته شده است: از خوابیده تا زمانی که بیدار شود، از دیوانه تا هشیار گردد و از کودک تا آنگاه که به سن بلوغ برسد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اخلاقی در جامعه، هم‌چنین به جهت این که کودک به ارتکاب جرایم عادت نکند، تادیب وی جایز است. بدیهی است اگر کودکان به‌ویژه آنان که تا رسیدن به سن بلوغ فاصله چندانی ندارند، در ارتکاب جرایم آزاد باشند و تادیب نشوند مشکلاتی برای خود و دیگران در جامعه ایجاد خواهند نمود.

۴-۱- جهات مجاز تنبیه بدنی کودک

از روایات بسیاری می‌توان جواز تنبیه بدنی کودکان به دلیل ارتکاب رفتارها و جرائمی را برداشت نمود. برای ارتکاب زنا توسط کودک، مرحوم شیخ طوسی بیان داشته است: «اگر کودکی که به حد بلوغ نرسیده با زنی زنا نماید، زن به کیفر رجم محکوم نمی‌شود، بلکه مستحق حد دیگر زنا (صد ضربه شلاق) می‌باشد و لازم است کودک نیز تادیب گردد (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق). همین نکته در عبارات دیگر فقها نیز دیده می‌شود. مستند این فتوا روایات است از جمله، در روایت صحیح ابویصیر از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که فرموده است: اگر کودکی به سن ده سالگی یا بیش‌تر رسیده با زنی زنا نماید، بر زن اجرای حد می‌گردد و کودک نیز به کم‌تر از حد تادیب می‌گردد. قال: «يُجْلَدُ الْعُلَامُ دُونَ الْحَدِّ وَتُجْلَدُ الْمَرْأَةُ الْحَدَّ كَامِلًا» (حر عاملی، بی‌تا). این مورد در تبصره ۲ ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی نیز بدین صورت بیان شده است: «هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد».

در خصوص ارتکاب لواط کودک نیز چنین جوازی صادر شده است. بدین صورت که اگر مردی با کودکی لواط کند، بر مرد حد لواط اجرا می‌شود و کودک نیز در صورتی که در مقابل مرد تمکین نماید و ارتکاب این عمل شنیع به عنف نباشد، تادیب می‌گردد. همچنین اگر دو کودک با یکدیگر لواط کنند هر دو تادیب می‌گردند. این مساله مورد توافق فقها (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق) است. راوی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل نموده است که مرد و زنی را به نزد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آوردند، زن مدعی بود شوهرش با فرزندش که از شوهر قبلی وی بوده لواط کرده است. بعد از تحقیق و شهادت شهود بر علیه مرد، به حکم امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بر مرد اجرای حد شد و او را با شمشیر کشتند. آن حضرت دستور فرمود کودک را نیز به کم‌تر از حد تادیب نمایند و فرمود: اگر بالغ بودی حکم به قتل تو می‌دادم و هم‌اکنون تادیب می‌نمایم، چرا که در مقابل این مرد تمکین نمودی تا با تو این عمل شنیع را انجام دهد (حر عاملی، بی‌تا). روایات دیگری نیز با این مضمون وارد شده است.

به علاوه فقهای امامیه برای مواردی نظیر قذف^۱، سرقت (بین فقها در این که در اجرای حد سرقت بر سارق، بلوغ و عقل در وی شرط است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق؛ علامه حلی، بی‌تا؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۹ق؛ شهید ثانی، بی‌تا؛ نجفی جوهری، ۱۳۶۲)، اختلافی نیست؛ بنابراین اگر کودک مرتکب سرقت شود، مشمول حد سرقت قرار نمی‌گیرد، بلکه تادیب می‌گردد. البته در کیفیت و نوع تادیب او نظریات مختلفی ابراز شده است)، ارتداد^۲، شرب خمر^۳، نزدیکی با حیوانات و تعلیم و یادگیری^۴ نیز، اعمال تنبیه بدنی را مجاز دانسته‌اند.

^۱ در اصطلاح فقها، نسبت دادن زنا یا لواط به کسی مثل این که به دیگری دشنام دهد که تو زنا کردی یا زنا زاده‌ای و یا لواط می‌کنی، قذف است. ^۲ طبق دیدگاه مشهور فقها اگر کودک منکر اسلام شود یا عملی که ارتداد با آن تحقق می‌یابد انجام دهد، حکم به کفر وی نمی‌گردد و نیز مشمول احکام ارتداد نمی‌شود. علامه حلی در این مورد می‌نویسد: «در حکم به ارتداد، بلوغ، عقل و قصد شرط است، بنابراین حکم به ارتداد کودک نمی‌گردد» (علامه حلی، بی‌تا).

^۳ در اجرای حد شرب خمر نیز مانند دیگر حدود، بلوغ، عقل، اختیار و علم به حکم شرط است، بنابراین اگر کودک شرب خمر نماید، مشمول اجرای حد قرار نمی‌گیرد، لیکن باید تادیب گردد (فاضل هندی، بی‌تا).

^۴ از دیدگاه فقهای امامیه، در صورت کارساز نبودن سایر روشها، اگر اولیاء به معلم اجازه داده باشند و تنبیه در حدی باشد که باعث سرخی و کبودی بدن وی نگردد، برای تعلیم و تربیت اجازه تنبیه بدنی وجود دارد (موسوی و خیام شهرکی، ۱۴۰۳).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴-۲- فتاوا فقهای معاصر

در این بخش به نظر برخی از مراجع و فقهای معاصر در خصوص تنبیه بدنی کودکان اشاره خواهد شد. آیت الله مکارم شیرازی به سوالات ذیل چنین پاسخ داده‌اند:

۱- آیا والدین می‌توانند فرزند خود را تنبیه بدنی نمایند؟ «تا ضرورت قطعی وجود نداشته باشد باید از تنبیه بدنی خودداری کرد و به فرض ضرورت قطعی، باید طوری باشد که آسیبی به بدن نرسد و حتی سرخ و کبود نشود».

۲- معلمین مدارس گاهی از اوقات مجبور می‌شوند، جهت نظم کلاس و یادگیری بیشتر بچه‌ها، آن‌ها را تنبیه کنند، البته لازم به ذکر است که با حفظ مراتب تنبیه، یعنی تذکر، نگاه تند، تهدید به دادن نمره کم و امثال ذلک می‌باشد و در نهایت مجبور به زدن آن‌ها می‌شوند که این زدن ممکن است در دست یا بدن آن‌ها سرخی و کبودی ایجاد کند، سؤال این است که آیا حرمت یا ضمانتی در کار است؟ «باید حتی الامکان از تنبیه بدنی صرف‌نظر کرد و در صورت ضرورت باید با اجازه خاص یا عام ولی کودک باشد و کاری که سبب دیه شود انجام ندهند و در صورتی که موجب دیه گردد ضامن می‌باشد و به‌طور کلی با توجه به آثار منفی تنبیه بدنی تا ممکن است باید از آن پرهیز کرد» (مکارم شیرازی، بی‌تا).

همچنین امام خمینی (رحمه الله علیه) در این خصوص نگاه داشته است: تأدیب به نحو متعارف به طوری که بدن را سرخ یا کبود یا مجروح نکند مانع ندارد. به عبارت دیگر تنبیه بدنی به نحو متعارف که موجب اثر در بدن نشود و به حد دیه نرسد، جایز است و در صورتی که به حد موجب دیه برسد، دیه دارد هر چند برای تأدیب باشد و در نقص عضو، چنانچه عمدی نباشد قصاص نیست. و اگر پدر، فرزند خود را برای تأدیب بزند و یا برای تشفی خاطر و در اثر غضب بزند با فرض اینکه موجب جراحت یا سیاهی یا قرمزی پوست شود دیه دارد (خمینی، ۱۳۹۲).

آیت الله سیستانی هم در پاسخ به سؤال «تنبیه دانش آموزان از لحاظ شرعی جایز است یا خیر؟ و اگر قرمز شود دیه دارد؟» فرموده‌اند: «اگر منع آنها از کاری که نباید انجام بگیرد بدون تنبیه بدنی ممکن نباشد زدن به آرامی (بدون اینکه کبود یا قرمز شود) و به مقدار سه ضربه نه بیشتر با اجازه ولی آنها جایز است و اگر بدن آنها قرمز یا کبود شود گناه کرده و دیه واجب است» (حسینی سیستانی، بی‌تا).

۵- بررسی حقوقی تنبیه بدنی کودک

سنین کودکی، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین سنین فرد، در طول عمرش بوده و هر گونه آسیب روحی و جسمی در این دوران، می‌تواند در ادامه زندگی فرد، اثر داشته باشد. به همین دلیل، قوانین و کنوانسیون‌های زیادی در دنیا، به کودکان اختصاص داده شده است تا از حقوق آنها دفاع کند. در ایران نیز قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ تصویب گردیده که مقررات مربوط به حقوق کودکان و مجازات و نحوه اثبات جرم کودک آزاری توسط پدر و مادر یا هر شخص دیگری، در آن، پیش بینی شده است. بر اساس این قانون، هرگونه آزار و اذیتی که سبب آسیب جسمی، روانی و اخلاقی به کودکان گردد، کودک آزاری محسوب شده و مجازات این جرم را برای مرتکب، در پی خواهد داشت. بر اساس ماده ۱ قانون مزبور، هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است، طفل و هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، نوجوان محسوب می‌شود.

اصولاً تنبیه کودک توسط پدر برای تربیت او می‌باشد، ولیکن این زدن بچه نباید، زیاد باشد، لذا در صورتیکه کتک زدن و تنبیه بدنی بچه توسط پدر از حد متعارف خارج گردد، عمل وی جرم می‌باشد، و دارای مجازات قانونی است، زیرا کتک زدن همیشه باید آخرین مرحله در تربیت بچه‌ها باشد. حد متعارف تنبیه بدنی یعنی اینکه آسیبی به کودک وارد نگردد، ولیکن در صورتیکه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در حین کتک زدن فرزند توسط والدین یا شخص ثالثی نظیر معلم، آسیبی به وی وارد گردد، دیگر از حد متعارف خارج می‌شود.

وفق ماده ۹ قانون اخیرالذکر: «هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری^۱ اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان نتایج زیر واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه به شرح زیر مجازات میشود: الف) فوت طفل یا نوجوان حسب مورد به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحی از نوع جائفه یا بالاتر حسب مورد به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ پ) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضاء و یا بروز بیماری روانی به مجازات حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛ ت) جراحی سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای (ب) و (پ) به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛ ث) آزار جنسی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی. تبصره- هرگاه بی‌توجهی و سهل‌انگاری والدین منجر به نتایج موضوع این ماده شود؛ حسب مورد به مجازات تا حداقل مندرج در بندهای فوق محکوم می‌شوند، در خصوص بند «ت» این ماده در صورتی والدین مشمول حکم این تبصره می‌شوند که اقدامات لازم برای جلوگیری از صدمه را انجام نداده باشند و صدمه مستند به آنها باشد».

همچنین در خصوص تنبیه بدنی دانش‌آموز توسط معلم، در ماده ۸۱ آیین نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰ آمده است: «تنبیه بدنی دانش‌آموز و سوء رفتار^۲ با وی به هر دلیل و تحت هر شرایطی ممنوع است و با متخلفین برابر قوانین و مقررات رفتار می‌شود. مدیر مدرسه می‌بایست همکاران خود را نسبت به امور انضباطی (ممنوعیت تنبیه بدنی و سوء رفتار با دانش‌آموز) آگاه کند».

۶- نتیجه‌گیری

گفته شد که تنبیه در لغت به معنای آگاه کردن و مجازات کردن است و در اصطلاح روشی تربیتی است که میان روانشناسان و صاحب‌نظران، موافقان و مخالفانی دارد. امروزه مخالفان بیشتری پیدا کرده است؛ لکن روشن است که در روانشناسی نیز تنبیه، حتی تنبیه بدنی، به کلی مطرود و ممنوع نیست بلکه در مواردی آن را جایز و حتی لازم می‌دانند. در اسلام نیز بنا به دلایلی نظیر آزادی روح و فطرت آدمی، تنبیه مجاز نیست؛ لکن علل و جهاتی وجود دارد تا ولی فرزند بتواند با استفاده از تنبیه، مراحل رشد تربیتی فرزند را به پیش ببرد.

با توجه به آنچه که در پژوهش حاضر بیان شد، تنبیه بدنی کودک از دیدگاه شارع مقدس ناپسند است و تنها در مواردی نظیر شرب خمر، زنا، لواط، سرقت، نزدیکی با چهارپایان، قذف، یادگیری و آموزش و ارتداد مجاز است. همچنین با دقت در آرای فقهای معاصر مشخص است که تنبیه بدنی کودک، آخرین گام در تربیت وی و پس از ناکارآمدی سایر روشهای تربیتی می‌باشد. به عبارت دیگر، روایات معصومین (علیهم السلام) تنبیه کودک را در جهت تربیت او جایز می‌دانند؛ گرچه این روش مطلوبیت اولی را ندارد. یعنی مادام که برای تربیت کودک از روشهای دیگری بتوان استفاده کرد، بهتر است از این روش استفاده نشود و چه بسا اگر از روشهای دیگر به نحو صحیح استفاده شود، هیچگاه نیازی به تنبیه کودک حاصل نشود ولی در

^۱ بند (پ) ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است.

^۲ بند (ت) ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هر حال، اگر در امر تربیت کودک از نظر مربی به تنبیه او نیاز شد، تنبیه او جایز است و مضرات فرضی در برابر اصل هدایت و تربیت کودک از اهمیت چندانی برخوردار نیستند؛ خصوصاً اگر بتوان با استفاده از روشهایی مضرات فرضی را کاهش داد و یاحتی آنها را از بین برد.

در نهایت مبحث مورد مطالعه از دیدگاه حقوقی نیز بررسی شد. با توجه به اهمیت موضوع، قانونگذار در سال ۱۳۹۹ دست به تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان زد. بر اساس مقررات قانون مزبور، هر آزار و اذیتی که باعث آسیب جسمانی، روانی و اخلاقی به کودکان گردد، کودک آزاری محسوب شده و مجازات این جرم را برای مرتکب، در پی خواهد داشت. به علاوه در آیین نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰ نیز، تنبیه بدنی دانش آموز توسط معلم و کارکنان مدرسه، مطلقاً ممنوع اعلام شده است. در مجموع و از مقایسه مطالب ارائه شده در مقاله حاضر می توان ادعا نمود که شارع مقدس تنها در صورت ناکارآمدی سایر روشها، تنبیه بدنی را آنهم توسط ولی، جایز دانسته و آنهم در حدی که جای کبودی و سرخی بر بدن کودک باقی نماند (به عبارت دیگر مشمول دیه نگردد). قانونگذار ایران نیز از همین دستورات الهام گرفته و تنبیه بدنی کودک توسط هر شخصی بجز والدین (حتی معلم) را مطلقاً ممنوع اعلام نموده است و تنبیه بدنی از سوی والدین را تنها در صورتی جایز دانسته که موجب ایراد آسیب جسمی یا خسارت معنوی شدید (آسیب روانی و اخلاقی) در وی نگردد. به عبارت بهتر می توان بیان نمود که تنبیه بدنی کودک، بعید ترین مسیر برای تربیت است و حتی در صورت دست یازیدن به این روش، مربی (والدین) باید با حساسیت بالا و در نظر گرفتن ابعاد مختلف شخصیتی، جسمانی و روانی کودک و بدون ایراد خسارت به وی، اقدام نماید.

مراجع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۱۳، چاپ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق
۲. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، چاپ ۲، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۷۶
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۸، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیتا
۴. خمینی، سید روح الله، موسوعه الامام الخمینی، جلد ۴۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، چاپ ۱۵، تهران: نشر دریا، ۱۳۹۳
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۷. حسینی سیستانی، سید علی، سایت رسمی دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله سید علی حسینی سیستانی، فارسی، پرسش و پاسخ، تنبیه، <https://www.sistani.org/persian/qa/search/۸۸۶۳۸>، بیتا
۸. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش، چاپ ۵، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۰
۹. شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد ۱۴، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، بیتا
۱۰. شیخ صدوق، الخصال، جلد ۱، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲
۱۱. شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ ۲، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق
۱۲. شیخ مفید، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق
۱۳. علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد ۵، قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام، بیتا
۱۴. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، جلد ۱۰، قم: موسسه النشر الاسلامی، بیتا
۱۵. فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، جلد ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۹ق
۱۶. قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، چاپ ۷، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۸
۱۷. محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، چاپ ۲، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق
۱۸. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ ۳، تهران: نشر زین، ۱۳۸۶
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، مرکز پاسخگویی به احکام شرعی و مسائل فقهی، تنبیه بدنی، صفحه ۱، <https://makarem.ir/ahkam/fa/tag/index>، بیتا



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲۰. موسوی، سیده فاطمه و سید ابوالفضل خیام شهرکی، «نگاهی فقهی و حقوقی به تنبیه بدنی دانش آموزان»، مجله علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، دوره ۸، شماره ۴، ۱۴۰۳
۲۱. نجفی جواهری، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۴۱، چاپ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲
۲۲. هرگنهان، بی آر و متیو اولسون و جولیو رامیرز، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: نشر دوران، ۱۴۰۲
۲۳. هیلگارد و همکاران، زمینه روانشناسی، جلد ۱، ترجمه حسن رفیعی و محسن ارجمند، تهران: انتشارات ارجمند، ۱۳۹۴